

بررسی تطبیقی شیوه های تاریخ نویسی در ابیات فارسی

د. محمد جواد هممانی ☆

Abstract

There are two schools of thoughts of literary historiography in Persian; one is horizontal and the other is vertical. Both approaches are equally important for the better and holistic understanding of literature and no historiographer may neglect either of them. Famous orientalist E. G. Brown's views were horizontal which may be perceived through his book 'A literary History of Persia'. While great scholar of the subcontinent Shibly Nomani' views on historiography were vertical expressed in his book 'Sher-ul-Ajam'. Besides critical study of literary historiography in Persian literature, the article presents a comparative study of Brown's and Shibly's views.

تاریخ ادبیات نویسی و تذکره نویسی

تذکره امروزه به کتابهای گفته میشود که شامل احوال و آثار و نمونه ای از اشعار شاعران باشد. در این تذکره ها به مسائلی چون

☆ استاد شعبه فارسی، انترنیشنل اسلامک یونیورسٹی، اسلام آباد

سیاست عصر و اوضاع اجتماعی و بررسی روانشناسانه و سیر تکاملی یک اندیشه یا یک سبک خاصی یا بطور عمومی ادبیات زبان خاصی کمتر توجه می‌شد و مؤلفان این تذکره هاتحت تاثیر علم رجال و طبقات نویسی در جهان اسلام بودند. در این کار مؤلف عموماً ادبیات را بعنوان یک واحد مجزا و بدون در نظر گرفتن سایر شئون اجتماعی و سیاسی و اخلاقی و دینی و تاثیر این شئون بر شاعر و شعروی، مورد بررسی قرار می‌داد. این کار ناشی از نگرش خاصی نسبت به علوم یا ادبیات می‌باشد که در این نگرش ادب یکی از واحد های دیگر حیات و فرآورده های فکری بشری وجود ندارد یا این ارتباط حایز اهمیت نیست. این تذکره های عمومی مؤلف شرح حال شعرای پیش از خود را می‌آورد و از منابع پیشین استفاده مینمود. تذکره های عصری اختصاصاً به احوال شاعران عصر مؤلف داشت و گاه هم متقدمین و هم معاصرین را شامل میشد. تذکره های اختصاصی مخصوص به محل یا موضوع یا طبقه ای بود. (۱)

از میان معروف ترین تذکره های که در خصوص ادبیات فارسی نوشته شدند، میتوان لباب الالباب عوفی (۲)، تذکره الشعرای دولت شاه (۳)، مجمع الفصحای رضا قلیخان هدایت (۴) و نشتر عشق تالیف حسینی خان عظیم آبادی (۵)، را اسم برد. (۶)

اما نوشتن تاریخ ادبیات که سابقه زیاد طولانی در مشرق زمین ندارد با تذکره نویسی چند تفاوت عمده ای دارد:

در تاریخ نویسی ادبیات مؤلف ادب را از دیگر شئون

اجتماعی بشر و دانش های بشری جدا نمی بیند و بر آن است که بین دانشهای بشری یک داد و ستدی وجود دارد که این داد ستد باعث قبض و بسط این دانشها میشود. هما نظوریکه سیاست از تاریخ ادب از دین بهره میگیرد علوم دیگری نیز برهم دیگر تاثیر میگذارد و میان این دانشها تعاملی و داد و ستدی وجود دارد. (۷) لذا فهم درست تر و عمیق تر ادبیات بدون در نظر گرفتن سایر دانشهای بشری، تاریخ، اوضاع و احوال سیاسی بدست نمی آید. تاریخ ادبیات نویسی میتواند تحت ادوار سیاسی صورت بگیرد که کتابهای چون تاریخ ادبیات ایران ادوارد براون و رضا زاده شفق و بدیع الزمان فروز انفر و شبلی نعمانی و ذبیح الله صفا و غیره نمونه، بارز این نوع تاریخ نویسی است و هم میتواند سیر تکاملی و تطور یک اندیشه یا یک صنف یا یک مورد خاصی را در زمانهای مختلف بیان یا بررسی نماید. مثلا سبک شناسی بهار (۸) که در واقع سیر تکوین دستور زبان پارسی است و حتی کتاب صور خیال در شعر فارسی دکتر شفیع کد کندی را که صور خیال در شعر فارسی را در ادوار مختلف بررسی نموده است، نیز میتوان در زمینه تاریخ ادبیات بحساب آورد.

از مهمترین کتب تاریخ ادبیات فارسی میتوان تاریخ ادبیات فارسی ادوارد براون، شعر العجم شبلی نعمانی، تاریخ ادبیات فارسی هرمان اته آلمانی که توسط دکتر رضا زاده شفق ترجمه نیز گردیده است، اثریان ریپکا و نیز کتابهای که توسط نویسندگان ایرانی چون رضا زاده شفق و جلال الدین همایی و ذبیح الله صفا نوشته شده است، را نام برد.

تاریخ ادبیات ایران اثر ادوارد برلون

این کتاب رامیتوان اولین کتاب تاریخ ادبیات فارسی که شامل همه ای ادوار آن باشد، بحساب آورد. بزرگترین خدمت ادوارد برلون معرفی شیوه تاریخ نویسی در یک دانش خاصی چون ادبیات فارسی است که گذشتگان و بزرگان ما از این شیوه بی بهره بودن. اما برلون باتوجه به سابقه طولانی تری که در مغرب زمین وجود داشت این کمبود را شدیداً احساس مینمود. (۹) وی کار عظیمی چون *Literary History of English People* نوشته یسراند (۱۰) را در نظر داشت و میخواست همچنین کاری را در زمینه ادبیات فارسی انجام دهد. او بیشتر می خواست که سیر تاریخی تفکر و دانش ایرانی را در مسیر تاریخ مطالعه و ضبط نماید که این کار تفاوت اساسی باتذکره نویسی داشت. او در کنار کتب و دواوین نویسندگان و شاعران فارسی توجه خاصی به نهضت ها و جنبش های سیاسی و ادبی و فکری دارد. همین شیوه مورد تقلید خیلی از کسانی که به نوشتن تاریخ ادبیات فارسی پرداختند قرار گرفت کار دکتر ذبیح الله صفا (۱۱) نمونه بارز این تاثیر پذیری است که صفا پیش از اینکه به ادبیات یک دوره پردازد به اوضاع سیاسی و علمی آن دوره می پردازد و فهم ادب را منوط به فهم اوضاع عصر می داند. شیوه سنتی که در تذکره های تذکره نویسان دیده میشد برخی از عناصر مهم علم تاریخ را فاقد بود. سیر تکاملی ادبیات در پرتوی اوضاع سیاسی، ارزشهای اخلاقی، امیال شخصی، زمان و مکان، سنت شعری و جهان بینی

عصر شاعر و یا نویسنده قابل فهم است. متقدمین از این شیوه کمتر استفاده می کردند حال آنکه سایر فنون و علوم انسانی و ادب و غیره پیوند ناگستنی با اوضاع زمان و مکان و جهان بینی و ارزشهای عصر دارد. ادوارد براون با کتاب خود باب بازه ای را بروی پژوهش گران باز نمود.

براون با توجه دسترسی که به منابع فارسی و عربی و انگلیسی و دیگر زبانهای اروپائی دارد طبعاً کار خویش را بسی غنی تر ساخته است. نگاهی گذرا به منابع و کتابشناسی که در پایان جلد اول کتاب او آمده است دلیلی است واضح بر آن. (۱۲). آشنائی براون با تاریخ و ادب ایران "از حیث کمی" نه تنها خواننده کتاب وی را تحت تاثیر قرار می دهد بلکه تعجب او را نیز برمی انگیزد که این محقق تاچه اندازه با منابع مختلف تاریخی و علوم دیگر جهان شرق و غرب آشنا بود. در جلد اول و حتی در آغاز جلد دوم کتاب خود براون اطلاعات ارزشمندی در زمینه فرهنگ و تصوف و شعر و اندیشه ایرانی در اختیار خوانندگان قرار می دهد که این اطلاعات مستند نه تنها برای علاقمندان به ادبیات ایران بلکه علاقمندان به فرهنگ و تاریخ و دانشمندان علوم اجتماعی نیز ارزش فراوان دارد. وی در کتاب خود تاریخ ادب را با توجه به ادوار مختلف سیاسی بیان می دارد. ویژگی دیگر کار براون این است که وی با توجه به نگاهی که به منابع تذکره دولت شاه داشت (۱۳)، از صحت و سقم نسخ مختلف تذکره ها آگاه بود. این آگاهی طبیعتاً کاروی را صحت و دقت

بیشتری بخشیده است و خواننده بر اطلاعات وی اعتماد و اطمینان بیشتری دارد. براون مدعی است که این کتاب برای علاقمندان عمومی ادبیات فارسی و نیز دانشجویان رشته ادبیات فارسی نوشته شده است و نه برای شرقشناسان و متخصصان. همین کار با اینکه اثر وی را برای خوانندگان عمومی غرب جذاب نموده است شرقیان را دچار مسئله ای کرده است. و آن اینکه برخی از جزئیاتیکه وی می آورد برای ایرانیان و حتی مردم شبه قاره هند و پاکستان خیلی ابتدائی و توضیح و اوضحات بنظر می آید. نیز هنگام نقل عبارات فارسی چه نثر و چه شعر، بویژه در جلد اول وی تراجم انگلیسی این عبارات فارسی چه نثر و چه شعر، بویژه در جلد اول وی تراجم انگلیسی این عبارات را می آورد که بی گمان برخی از این تراجم بقدری زیبا هستند که خواننده از آنها لذت می برد اما مشکلی را که این امر به همراه دارد این است که فارسی زبانان و فارسی دانایان که می توانند از اصل متن استفاده نمایند با خواندن ترجمه، ترجمه را با اصل آن نمی توانند تطبیق دهند. اگر وی در جاهای که از تراجم استفاده کرده است متن فارسی را نیز می آورد که آسانتر و نیز محل دوری در صحت و سقم ترجمه وجود داشت. ویژگیهای اثر براون را میتوان بشرح زیر برشمرد.

۱- اولین کتاب تاریخ ادبیات فارسی که تقریباً تاریخ هزار سال ادبیات فارسی را در برمی گیرد.

۲- دقت در منابع بویژه دسترسی به منابع درجه یک و ارجاع دقیق.

۳ سادگی و شستگی زبان.

۴ معرفی تاریخ و فرهنگ ایران به جهان با توجه این که زبان کتاب انگلیسی است.

۵ استفاده از منابع قدیم و جدید و زبانهای متنوع چون انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، روسی، عربی و فارسی و غیره.
۶ رعایت موازین جدید تاریخ نویسی.

شعر العجم شبلی نعمانی

زمانیکه شبلی به این کار دست زد دو جلد اول براون به چاپ رسیده بود و شبلی گذشته از منابع دیگر چون لباب الالباب عوفی و مجمع الفصحما و تذکره دولتشاه و غیره کار براون را نیز مطالعه کرده بود. (۱۴) تا آن زمان نویسندگان ایران دست به این کار نزده بودند و شبلی احساس می کرد براون علی رغم اطلاعات گسترده از روح شعر و ادب فارسی آشنا نگردیده است و خیلی از موارد مهم در خصوص فهم شعر برای براون روشن نبوده است.

شعر العجم که داری پنج جلد می باشد، دو جلد اول آن مربوط به ادوار شعر فارسی است. سبک و شیوه وی در این دو جلد تا حدودی شبیه روش تذکره نویسی می باشد با این تفاوتیکه وی بر ذکر احوال و نقل اشعار بسنده نمی کند بلکه خواننده را با خصایص شعری یک شاعر و نکات ضعف و قوت آن را نیز آشنای سازد و برای تائید نظر خود شواهد و امثال بجای نیز می آورد.

اما نکته ای که بسیار حایز اهمیت است و شبلی به آن پی

برده است این است که در جلد چهارم شعر العجم وی سعی نموده است که تأثیر محیط زیست و جغرافیا و تمدن و تاریخ ایران بر شعر فارسی نشان دهد. البته مؤفقتیت وی در این کار چشمگیر نیست ولی به عنوان نخستین کسانی که تأثیر پذیری ادبیات از عوامل فوق الذکر آگاه بودند، کار شبلی ارزش فراوانی پیدا می کند. (۱۵) در دو جلد آخر کتاب یعنی جلد چهارم و پنجم شعر العجم با شیوه خاصی از نقد شعر برمی خوریم که در آن گویا شبلی ماهیت و حقیقت شعر و عناصر تشکیل دهنده آن را در انواع مختلف شعر بیان می دارد.

این نوع نقد شعر را که شبلی پیش گرفته است می توان نقد ذوقی نیز نامید شبلی رامیتوان جزو اولین کسانی دانست که با ابراز نقد جدید به دنبال فهم شعر رفتند زیرا این نوع نقادی نیز سابقه زیادی در مشرق زمین ندارد. جلد پنجم نیز بر انواع شعر فارسی نقدیست عالمانه، در این بخش قالب و محتوای شعر فارسی هر دو مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. شبلی سیر تکاملی انواع شعر فارسی را چون قصیده و غزل و نیز از حیث محتوای شعر همچون شعر غنایی و عارفانه و فلسفی و حکمی را بیان و معرفی و سپس مورد نقد و بررسی قرار می دهد. در دو جلد پایانی شعر العجم با شیوه خاص از نقد شعر که بیشتر جنبه داخلی و ذوقی دارد مواجه میشویم. شیوه نقد شبلی سنت شعر فهمی شرقی را نیز به همراه دارد. می دانیم که در آغاز قرن بیستم به تاریخ نویسی ادب در جهان شرق رواج داشت و نه نقد ادبی معنی جدید از جایگاهی پر خوردار بود. شبلی را می توان

آغاز گر این دو کار در مشرق زمین دانست. هر چند کار شبلی آن اندازه پخته و بی عیب نیست اما بعنوان کسی که توجه محققان و شعر شناسان را بدان سوی جلب نموده است، کار وی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و او نقشش همان اولین قطره ابر بهاری را ایفا نموده است که بدنمال خود باران فراوانی را دارد. دیری نگذشت که حافظ محمود شیرانی طی مقالات خود شعر العجم شبلی را مورد انتقاد شدیدی قرار داد که پس از زمانی توسط مظهر محمود شیرانی این مقالات جمع آوری و انتشار یافته است. (۱۴) در این کتاب با موارد زیادی برمی خوریم که شبلی راه خطا را رفته است و این مسایل هم هرگز به بحث و بررسی کشیده نمی شد اگر شبلی آنها را مطرح نمی کرد. علی رغم انتقاد شدید حافظ محمود شیرانی وی اذعان دارد که این کتاب (شعر العجم) بهترین کتاب در مقابل سایر کتب موجود در همین زمینه دانست. (۱۸) او نیز شبلی را آغاز گر یک نهضت جدید ادبی می داند. (۱۹) نقد محمود شیرانی جنبه تاریخی و نسخه شناسی دارد. وی به توجه این نکته به منابع اصلی و نسخ مختلف دسترسی داشت در موارد زیادی شبلی را بدلیل عدم توجه به این مأخذ مورد انتقاد قرار می دهد. اشکال عمده شبلی عدم ارجاع دقیق خواننده به مراجع و منابعی است که وی از آنها استفاده نموده است. از مزایای کار شبلی اینست که اثر او در عین جامعیت سادگی و اختصار را نیز دارا می باشد که برای دانشجویان و خوانندگان عادی نیز جالب توجه بنظر می آید (ناگفته نماند که هرکاری در زمینه تاریخ ادبیات فارسی

و نقد شعر فارسی بدون توجه به کار شبلی نا فرجام و ناتمام خواهد ماند. کار شبلی نه انتهای نقد ادبی است و نه پایان نوشتن تاریخ ادبیات فارسی بل اهمیت کار وی در این است که او تاریخ نویسی را بشیوه جدید هر چند ابتدائی و نقد را باروش نو هر چند خام به علاقمندان ادبیات عرضه داشت. و نیک می دانیم که تا آن زمان هیچ کاری در زمینه تاریخ نویسی ادبیات و نقد ادبی در ایران هم صورت نگرفته بود.

بررسی روش تاریخ نویسی براون و شبلی

شبلی بدلیل نه داشتن الگوی خاصی در تاریخ نگاری ادبیات و استفاده از منابع سنتی چون تذکره ها بطور ناخود آگاه تحت تاثیر تذکره نویسی قرار گرفت. و قتیکه یک شاعر را معرفی می کند تأکید وی بر احوال و آثار شاعر بیشتر است کمتر از مسایلی چون تاثیر محیط و سیاست و دین و اوضاع عمومی آن عصر و ارزشهای آن جامعه که شاعر در آن میزیست سخن می گوید و یک شاعر را جدا گانه و به گونه که او در جهان مستقل از جهان خارج میزیست، میسنجد. در حالیکه براون دارای نگاه کلیتر و اجتماعیتری میباشد. وی شعر را باسنت شعری و تاثیر آن بر تاریخ شعر را نیز بیان میدارد. ولی نکته ای را نباید فراموش کرد که اطلاعات براون نسبت به ادبیات فارسی مستند، شامل و گسترده بود، اما نگرش شبلی از حیث کیفی بسی عمیقتر و آشنائی وی با شعر و علوم می که لازمه این است چون بلاغت و معنی و بیان و مهمتر از همه شعر فهمی بسی

ژرفتر از براون است. نگاه براون افقی است ولی نگاه شبلی عمودی. از حیث حجم و کمیت کفه براون سنگین است اما از حیث عمق و کیفیت کفه شبلی.

بعنوان مثال و برای اینککه بررسی موردی نیز انجام داده باشیم به طرح و بررسی آراء این بزرگ مردان جهان ادبیات در خصوص یکی از مهمترین شاعران حماسه سرا در جهان، فردوس می پردازیم.

براون وقتیکه به فردوسی می رسد، بدلیل مطالعات گسترده خود به ما اعلام می کند که تمام نقادان شرق و غرب بر عظمت فردوسی اجماع دارند و بهمین خاطر نمی توان از این شاعر بزرگ به سادگی رد شد و با توجه به اهمیتی که دارد صفحات بیشتری بدان اختصاص داده شود. اما در باره عظمت و بزرگی شعر و شخصیت فردوسی آرای دارد که با اجماع نقادان و فردوسی شناسان اختلاف اساسی دارد. وی می گوید:

"In their high estimate of literary value of this gigantic poem Eastern and Western critics are almost unanimous and I therefore feel great diffidence in confessing that I have never been able to entirely share this enthusiasm. The Shahnama cannot in my opinion for a moment be placed on the same level as Arabian Muallaqt" (20)

همما نظوریکه پیداست وی هرگز قایل به اهمیت کار فردوسی نیست اما بخاطر اینکه می داند و خوانده است که همه ادب دوستان و ادب شناسان معترف به عظمت فردوسی اند، این را - از روی تواضع -

حمل بر کم مائیگی خود می کند و می گوید که من عاجز از درک اهمیت و زیبایی این کاری یعنی شاهنامه هستم. میدانیم در این خصوص براون وحید النظر است و بهمین خاطر وی با احتیاط رای خودش را ابراز می کند.

تشبیهات و صور خیال رنج می برد و یکنواخت بودن و رنگارنگ نبودن تشبیهات از زیبایی شاهنامه می کاهد. (۲۱) او نیز می گوید که بر خلاف آنچه که عموماً پنداشته می شود شاهنامه دارای واژگان زیادی عربی است و تراکیب عربی که در آن دیده می شود کم نیست:

"It is sometimes asserted that Shanamah contains practically no Arabic words this is incorrect"(22)

او خاطر نشان می سازد که رای هم میهنان فردوسی که او را این همه عظمت داده اند ما اروپاییان نباید حتمی بدانیم (۲۳) و باب تقد و تأمل را برای خودمان باز گذاریم.

این است خلاصه ای از آراء براون در خصوص فردوسی و شاهنامه. حال بنگریم به آرای شبلی نسبت به فردوسی و کار او: شبلی با ارائه دلایل انکار ناپذیر عظمت فردوسی را اثبات می کند. وی هفتاد و شش صفحه از کتاب خود را به فردوسی اختصاص داده است. در این صفحات وی به معرفی و بررسی و موشگافی شاهنامه پرداخته است.

در اینجاوی تعمقی که از خود به نمایش می گذارد براون هرگز

به پایتیش نمی رسد. کار پراون در زمینه منابع شاهنامه یقیناً از دقت و صحتی بیشتر برخوردار است اما تا جائیکه موضوع و محتوا و زیبایی هنری که در شاهنامه وجود دارد شبلی بسی عمیق تر و دقیق تر به این مسایل پرداخته است. شبلی بعنوان مثال این بیت فردوسی را می آورد:

بدنبال چشمش یکی خال بود

که چشم خودش هم بدنبال بود

شبلی میگوید که علی رغم اینکه شاهنامه حماسه است و در حماسه ها مسایل غنائی یا اصلاً نیست و اگر هست جالب توجه نیست ولی نگاه کنید به فردوسی که هر جای داستان اقتضا کند غنا هم در داستان هست. و در عین حال این غنا از زیبایی نیز پر خوردار است.

شبلی می گوید که شدت در کلمات در عین اختصار نیز یکی دیگر از خصایص شاهنامه است.

علمت عدم درك زیبایی شاهنامه از سوی پراون رامی توان عدم تسلط وی بر زبان و سنت شعری فارسی یا فقدان ذوق شعری دانست. سادگی و زیبایی در کنار هم قرار دادن و آن هم در شعر کاریست پس دشوار که فردوسی نه تنها از این کار سرفراز برمی آید بلکه الگوی متأخرین خود نه تنها در مثنوی سرانی بلکه در شاعری نیز قرار می گیرد.

نگاهی به ابیاتی می اندازیم که در ذم سلطان محمود است.

گذشته از مسایل اخلاقی و انگیزه های درونی که پشت این هجو بود، به سلاست زبان و شدت بیان و حسن کلمات و زیبایی تشبیهات توجه شود:

بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی
 چو بر باد آید گنج مرا نه بد حاصلی سی و پنج مرا
 از آن گفتم این بیت های بلند که تماشاه گیرد ازین کار پسند
 که شاعر چو رنج بد بگوید هجا بماند هجاء قیامت بجا (۲۴)
 خدا را شکر که بر او در عصر فردوسی نمی زیست و این رأی خویش
 را در آن زمان ابراز نکرد و دل فردوسی را نرنجاند و از هجو فردوسی
 بدور ماند. اگر بر او این بیت فردوسی را خوانده بود در ابراز رأی
 خویش احتیاط بیشتری می کرد

هر آنکس که شعر مرا کرد پست

نگیردش گردون گردنده دست

هنگامیکه خبر مرگ سهراب به مادرش رسید مادر او چگونه رنج و غم خود را ابراز می کند. در فرهنگ شرق مرگ پسر و آن هم پسر جوان و دلآور برای والدین او بالاخص مادر کمتر از قیامت نیست فردوسی منظره رابه گونه ای به شعر در آورده است که در آن صدای شیون و ناله یک مادر ایرانی رابا جزئیات هرچه تمامتر حس میکنیم:

غریو آمد از شهر توران زمین

که سهراب شد کشته پردشت کین

بپرورده بودم تننت رابناز

برخشنده روز و شبان دراز (۲۵)

شبلی به حق می گوید شاهنامه بهترین نمونه شعر حماسی تو
 ام با واقع نگاری جزئی و احساسات انسانی است و فردوسی امام
 و پیشرو همه شاعران است. (۲۶) شعر با احساسات و عواطف انسانی
 گره خورده است. چه احساس علاقه به کسی باشد و چه احساس
 شادی و غم، فردوسی در هر شرایطی که قرار می گیرد، احساسات
 خود را زبانی عظامی کند که حق بیان و ابراز آن احساسات را ادامی
 کند و به خواننده این احساس دست میدهد که گویا فردوسی
 با همچنین وضعیت دچار بود و شعر او از جان او برمی خاسته است.
 شبلی این زیبایی وی را درک میکند در حالیکه پراون از درک آن
 عاجز است.

شبلی شمردن ویژگی های شاهنامه را ادامه می دهد و می
 گوید که در اما راین اثر بی نظیر ادب فارسی فقط حرف جنگ نیست
 بلکه این یک دایرة المعارف فرهنگ و تاریخ و تمدن ایرانی
 نیز هست. و جزئیاتی را فردوسی می آورد که هم قدرت شعر گونی او را
 نشان می دهد و هم فرهنگ ایرانی را. (۲۷) شبلی به نکته ای دیگر
 اشاره می کند و آن رعایت و حفظ حدود اخلاقی و دوری از فحش گونی
 است. شبلی می گوید که هر جا سخن از عشق و ادب داستانی می آید
 مسایلی مربوط به جنس نیز مطرح می گردد و خیلی از شاعران
 بزرگ چون نظامی و غیره هم از این مسئله مصون نمانده اند. اما
 استاد سخن فردوسی در وصف حالات و واقعات عشق عفت کلام را
 رعایت می نماید که این نیز هم بر فضل فردوسی و هم بر تعهد او

نسبت به مسایل اخلاقی دلیلی است واضح. اما نکته بسیار جالب توجه که از سوی براون مطرح میشود این است که در شاهنامه کلمات و ترکیبات عربی کم نیست.

شبللی در پاسخ این اعتراض می گوید: آوردن برخی از ترکیبات و کلمات عربی بدلیل این اعتراض می گوید: آوردن برخی از ترکیبات و کلمات عربی بدلیل این کلمات برای خواننده غریب می نمود. (۲۸) می دانیم که سخن بلیغ همان سخنی است که مطابق حال شنونده باشد. پس اگر فردوسی این مسئله را رعایت نمی کرد شعر وی از بلاغت برخوردار نمی شد. در همین جا شبللی یک مقایسه جالبی را انجام میدهد و میگوید در همان عصر این سینا سعی کرد که رساله ای بزبان فارسی بنویسد. وی در حکمت علانیه خود سعی مینماید که خیلی از اصطلاحات عربی را به فارسی برگرداند اما هرگز موفق نمیشود در حالیکه فردوسی از این کار شگفت آورو آن هم در شعر سرفراز برمی آید.

شبللی در ضمن اشاره به فارسی نویسی و تسلط فردوسی بر آن نکات نغری بیان میدارد که این کار هم عظمت و بزرگی فردوسی را نشان میدهد و هم تعجب خواننده شعر العجم را برمی انگیزد که شبللی تاچه اندازه با دقت به مسئله آفرینش و فلسفه آفرینش نگریده است و چگونه بین اصطلاحات فلسفی عربی و ترجمه فارسی آن توسط فردوسی ارتباطی را کشف کرده است.

این امر بدون تردید مطالعه گسترده شبللی و نگرش ژرف وی

رادر زمینه فلسفه یونان و اسلامیان و تسلط وی بر عربی و فارسی
رانشان می دهد (۳۰)

اینجا شبلی یک فهرستی رامیده که در آن اصطلاحات
عربی و ترجمه ای که توسط فردوسی انجام گرفته است آورده می
شود. به برخی از این کلمات نگاه کنیم:

کلمه که توسط فردوسی بکار
اصطلاحی عربی
گرفته شده است

سرمايه	ماده
گوهر	عنصر
آرام	سكون
گشت	دوران
تباهی	فنا
توانانی	وجود
جنبش	حرکت
پوینده	متحرك بالاراده
فرسودن	تغییر

بنده بر این فهرست شبلی مواردی را تغییر و برخی را افزودم

یزدان :	واجب الوجود
ناچیز :	عدم محض
چیز :	ممکن الوجود
گردش :	حرکت / دور

نیز به نخستین بیت شاهنامه اگر نگاه کنیم

بنام خداوند جان و خرد

کز و برتر اندیشه برنگذرد

می دانیم که حیات و علم از صفات ذاتی خداوند هستند که فردوسی حیات را جان و علم را خرد گفته است. و نیز می دانیم که اکبر از افعال تفضیل است و بجای اکبر وی برتر را آورده است. گویا وی صفات و اسم خداوند را نیز به پارسی برگردانده است، که به هیچ وجه براون نتوانسته است این مسایل ریز را در شاهنامه درک یا کشف نماید.

در پایان باید گفت دیدگان براون محققانه است و نه دانشمندانه. مشرق زمین تخلیق را بر تحقیق و تشریح را بر تنقید ترجیح داده است. شرق بزرگترین شاعران را به جهان داده است و غرب مهمترین مصححان را. شرق زیبایی را آفریده است و غرب زیبایی شناسی را. نگاه غرب نگاهی بیرونی و کلی و سطحی است و نگاه شرق نگاهی است درونی و عمیق و ارزشی. برای فهم دقیقتر ادب ما هم به آن نیاز داریم و هم به این تک چشمی بزرگ ترین مانعی است در مسیر فهم و ادراك حقیقت. برای فهم بهتر و بیشتر هستی و زیبایی آن ما به هر دو چشم نیاز مندیم.

☆☆☆☆☆

یادداشت ها

- ۱- نگاه کنید به "مرجع شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی" دکتر غلام رضا ستوده، ص ۹۲، ۹۳
- ۲- لباب الالباب تألیف سدید الدین محمد عوفی
- ۳- تذکره الشعراء تألیف دولت شاه سمرقندی که اسم "تذکره" از همین اثرودی گرفته شده است.
- ۴- مجمع النصحاح تألیف رضا قلی خان هدایت.
- ۵- نگاه کنید به تذکره نشتر اثر حینقلین عظیم آبادی که شامل احوال آثار شاعران تاجیک فی باشد.
- ۶- جهت اطلاعات بیشتر در خصوص تذکره نویسی و تذکره نگاری رجوع شود به کتاب تاریخ تذکره های فارسی تألیف احمد گلچین معانی و نیز تذکره نویسی در هند و پاکستان تألیف دکتر علی رضا تقوی.
- ۷- جهت اطلاعات بیشتر در این زمینه مراجعه شود به کتاب قبض و بسط تیوریک شریعت نوشته ای دکتر عبدالکریم سروش که نگارنده این کتاب این موضوع را با ادله مختلفی اثبات نموده است.
- ۸- سبک شناسی اثر محمد تقی بهار که این کتاب تاریخ تطور نثر فارسی را در برمیگیرد و صور خیال شعر فارسی اثر
- ۹- رجوع شود:

۱۰- رجوع شود:

A Literary History of English People by Jusserand

۱۱- تاریخ ادبیات در ایران، از دکتر ذبیح الله صفا.

۱۲- رجوع شود به:

A Literary History of Persia, Edwards. Brown, Vol.1, PP481-499

۱۳- رجوع شود به:

A Descriptive Catalogue of the Oriental Mss. Belonging to the late E.G Brown. Cambridge, 1932, PP VI-XII

۱۴- رجوع شود به الشعر العجم تألیف شبلی نعمانی، جلد اول مقدمه

ای مولف

۱۵- همان مأخذ ج ۲

۱۶- در تعریف ذوق آورده اند که "ذوق عبارت از احساس و ادراک حاد

و سریعی است که زشتی و زیبایی آثار طبیعت و هنر را کشف

میکنند و البته تهذیب و تربیت آنرا توسعه و تکامل میبخشد" نقد

ادبی، عبدالحسن زرین کوب، ص ۵۶

۱۷- مقالات شیرانی اثری از حافظ محمود شیرانی ج ۵

۱۸- همان ص ۲

۱۹- همان ص ۲

20- A Literary History of Persia, by E.G.Brown, Vol: II P142

21- Ibid P. 142

22- Ibid P. 145

23- Ibid P.145

۲۴- شاهنامه فردوسی، ص ۱۵

۲۵- معمان ص ۱۱۸

۲۶- شعر العجم، شبلی نعمانی ج ۱، ص ۱۳۷.

- ۲۷- همان ص ۱۲۷.
 ۲۸- همان ۱۲۴.
 ۲۹- همان ۱۲۵.
 ۳۰- همان ۱۳۷-۳۶۱.
 ۳۱- همان ۱۲۶.

کتابشناسی

- ۱- بهار، محمد تقی، سبک شناسی، دوره ای سه جلدی. مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران. ۱۳۷۳
- ۲- دولت شان سمرقندی، تذکرة الشعراء، تصحیح ادوارد پراون جاپ لیندن
- ۳- زرین کوب، عبدالحسن، چاپ سوم، انتشارات سخن، تهران ۱۳۷۴
- ۴- ستوده، غلام رضا، مرجع شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی انتشارات سمت تهران، ۱۳۷۱
- ۵- سروش عبدالکریم، قبض و بسط تنوریک شریعت - مؤسسه فرهنگی صراط، چاپ هفتم تهران ۷۹
- ۶- شبلی نعمانی، شعر العجم، دوره پنجم جلدی نیشنل بک فاوندیشن، اسلام آباد پاکستان ۱۹۷۲
- ۷- شفق، رضا زاده، تاریخ ادبیات ایران، انتشارات آهنگ ایران ۱۳۶۹
- ۸- شفیع کدکنی، محمد رضا، صورخیال در شعر فارسی، چاپ هشتم انتشارات آگاه، تهران ۱۳۸۰
- ۹- شیرانی، حافظ محمود، مقالات شیرانی، ج ۵، بکوشش مظهر محمود شیرانی مجلس ترقی ادب، لاهور، پاکستان ۱۹۷۰
- ۱۰- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، ابن سینا، تهران ۱۳۴۴

- ۱- عظیم آبادی، حسینقلی خان- تذکره نشتی عشق- نشریات دانش، دوشنبه ۱۹۵۱
- ۲- عوفی، سدید الدین، محمد، لباب الالباب، از چاپ پراون وقزمینی با تصحیحات و حواشی سعید تقیسی، تهران، ابن سینا ۱۳۳۵
- ۳- فردوسی، ابوالقاسم، متن کامل چهار کتاب اصلی و سه داستان الحاقی، بامقابله و تصحیح از روی مشهورترین نسخه ها، چاپ هفتم، مؤسسه انتشارات امیرکبیر- تهران ۱۳۶۹
- ۴- گلچین معانی، احمد، تاریخ تذکره های فارسی، ۲ جلد، دانشگاه تهران ۱۳۲۸
- ۵- نظامی عروضی سمرقندی، چهار مقاله، مصحح محمد قزوینی، بکوشش محمد معین، انتشارات زوار، ج ۱، تهران ۱۳۳۱
- ۶- تقوی، سید علی رضا، تذکره نویسی در هند و پاکستان، انتشارات علمی تهران ۱۳۲۷
- ۷- هدایت، رضاقلی خان، مجمع الفصحاء بکوشش مظاهر مصفا، چاپ تهران

18- A literary History of Persia, Vol-I-IV, Sange-e-Meel Publication, Lahore, 2003

19- A Descriptive Catalogue of Oriental MSS, Vol-I, Belonging to the late E.G. Brown, Cambridge, 1932

